

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

میرویس ودان محمودی

۱۸ اپریل ۲۰۱۳

فرمانبرداران ارتجاع و سرمایه در صدد بدنامی رهبران جنبش مقاومت ملی افغانستان!

۱۰

استفراغ های خادبیت، هزاره ایست و چنگیزیست تحت اسم «سازمان کارگران م.ل.م»، «بخش سوم» عرعر نامه ای شان را از طریق فاضلاب «شورش» در معرض مطالعه قرار داد که در آن چیز جدیدی به چشم نمی خورد جز رجزخوانی و قوله کشیدنهای همیشگی، دروغ های شاخدار و تهمت های چنگیزی و نهایت عقده منداغه!!! این که پالان ها و (تریال) های تان را از از تن های تان برداشتم و چهره های پلید و ضد ملی تان را همراه با عملکرد های ضد میهنی و ضد انقلابی تان افشاء ساختم چاره ای جزء تهمت بستن و بهتان کردن نداشتید!!! شما گوشدر از آن هفته فهم با بی شرافتی لومپنانه از طریق سایت اکونومیست انجونیست «پیام آزادی» تحت امارت داکتر .- «پولاد» زنجیر پاره کردید و هر چه در دل کثیف تان داشتید نثارم کردید و هم با بیشرفترین انواع دروغ و بهتان افتراء بر من جفید که چرا اسم «صدر» صادق ظفر را افشاء نمودم؛ در حالی که این شما جاسوسان روباه صفت و جاسوسان «آی. اس. آی» - «سیا» و «ام. آی. ۶» بودید که نخست اینکار را کردید. قبل از این روی داد «صادق ظفر» بار ها اسم «رفیق» موسوی را افشاء کرده بود و هنوز هم در متن تاریکیها و جهالت چنگیزیستش روان است؛ پس برای شما شغالان زرد که این اجازه را داده است که جاسوس مآبانه هویت انقلابیون را افشاء سازید؟

«حزب کمونیست مائوئیست» این سنگر هزاره ایسم و چنگیزیسم در سایتک انترنیتی اش واضحاً خود را یک حزب قانونی با فعالیت های قانونی اعلام و معرفی داشته است، زمانی که «حزب» فعالیت هایش را علنی و «قانونی» اعلام می دارد، بنابر این شما (خارپشتک) های کپ و کوپ از چه میهراسید که خویش را در پالان «سازمان کارگران م.ل.م» جیونانه پنهان کرده اید؟

فعالیت های قانونی یک حزب در جامعه چه معنی دارد؟

بنابر ابداع و معرفی رسمی از جانب شما زرد های زرد، «حزب» قانونی بوده و فعالیت های سیاسی اش در جامعه به طور قانونی می باشد، بناءً چه لزومی دارد که همچو موشها در سوراخها خزیده اید و در سکوت وز وز می کنید؟! مگر اسامی حسین- صادق و داکتر . . «پولاد» را «آی. اس. آی. - سیا. ام. آی. ۶» و استخبارات هالند نمی دانند؟ مگر کمیته های اتریش و سویدن نام و نشان جاسوسان انجونیستش را نمی دانند؟

چرا خودتان را به خرید می زنیید ای ریاکاران زمانه!

این که تعفن هزاره ایسم و چنگیزیسیم تان بالا گرفته است و راه و چاره ای پیدا و جست و جو نتوانستید مذبحخانه دست به توطئه جاسوسانه زدید و این قلم را به شئونیست بودن محکوم ساختید لعنت و نفرین بر شما هزاره ایست ها و چنگیزیسیم های سفله و "سیانه"، ضد انقلابی و جاسوس !!!

به خاطر معلومات بیشتر شما سگان پشمالو و تر شده؛ اینجانب به بلندیها و جلکه های مرد خیز و مرد افکن آسمانی، زادگاه عیاران و از کوچه های قدیمی بارانه و ریکا خانه که معرف تاریخ کهن میهن باستانی ام می باشد تعلق دارم، جد و اجدادم و نیاکامم در همین بلد کهن، زاد و ولد داشته اند که تاریخ اسمای شان را با خط سرخ و طلائی نبشته و درج اوراقتش ساخته است. زبان تکلم و مادری ام زبان شیرین و شکر بار (دری) می باشد. دری زبان ملی و تاریخی با پیشینه و قدامت بیشتر از هزاران سال می باشد که شما و امثال شما نیز وقتی از آدم کشی به آدم شدن می آمدید، بدان رجوع نمودید زیرا ششصد سال قبل از امروز زبان مادری و پدری تان دری نبود. امید که شما گوشدرازان قادر به فهم مطلب شده باشید، در غیر آن بعد از یک هفته به حقیقت سخنم پی خواهید برد.

در آن آوان که شما برای انگلیسها جاسوسی می کردید کابلیان و پشتون ها استعمار کهن را در دل دره های پر خم و پیچ و کوهستانهای شامخ این زادگاه شیران ضرب شصت نشان می داد و حماسه ها می آفریدند، این ما بودیم که آفتاب طلائی استعمار بریتانیای کبیر را در قلمرو مستعمراتی ش غروب دادیم و واژه کبیر را از پیشوند اسم کشوری اش برای همیشه حذف کردیم. به یاد داشته باشید که بادر انگلیسی تان نیمه جان با تن زخمی داکتر (برایدن) پیام شیران و عقابان افغان زمین را برای نمایندگان پادشاه انگلیس برد.

شما لولو های روزگار که خویش را «مائویست» می پندارید و خندق «شورش» همچنان داد از «مائویسم» می زند و هم از «حزب کمونیست مائویست» نیز دفاع و پشتیبانی می کنید، منظورم این است که همه شما گوشدرازان بی عقل و مسخره بار «مائویسم» این دوکتورین برژنف- کاسیگین و گرومیکو را بر پشت های بی پالان تان نقل می دارید پس چرا مثل اولاد های بی پدر و بی مادر از همدیگر جدا هستید و تحت یک درفش سیاه «صفوف» تان را متحد نمی گردانید؛ مگر هنگگ، بنگگ و کلوه سنگگ از یک پستان نمی مکینند؟؟؟!!!

علت اختلافات تان را بنویسید که ما هم با خبر شویم!

قرار اطلاع، «صدر» حسین، «صدر» صادق ظفر را محکوم به دروغگوئی، عدم مسؤولیت پذیری، لافزنی و چرخیدن زیاد به دور بتی به اسم «صدر یاری» می کرد و «صدر» صادق ظفر، «صدر» حسین را محکوم به دزدی پولهای حزب که توسط «ام. آی. ۶، آی. اس. آی. و «سیا» پرداخته می شود و هم از درک انجویسم به مال و منال زیادی رسیده است می کرد و این بدان معناست که دزد و جاسوس برای یک دیگر می گویند که دزد بالای سرش بردارد!!!

به هر صورت حزبی که بر اساس مارکسیسم، لینینیزم بنا یافته باشد اگر تضاد های بین رهبران و کادر هایش اتفاق می افتد باید در مبارزات و گفت و گو های درون حزبی راه حلش را جست و جو کند نه انشعاب!

پرسش ما از «سازمان کارگران م.ل.م» این است بگویند که مرکز گرائی دمکراتیک چیست و وظیفه نیرو هائی که با هم از نگاه سیاسی و تئوریک هم عقیده می باشند، چیست؟

راستی کم بنویسید با دست و درست بنویسید؛ زیرا ضد و نقیض گوئی های تان با طرز املاء و انشاء تان ما را بدان وا می دارد تا به دیار (دهخدا) سفری کنیم نه ده خدای داد، تا معانی بعضی واژه هائی را که مورد استفاده قرار می دهید پیدا کنیم و اما متأسفانه در مقابل سوبه و سطح آفاق علمی و ادبی تان (دهخدا) نیز خجالت می کشد.

زیاد پوقانه «یاری» را پف نکنید زیرا باد اضافی پوقانه را می ترکاند.

زیاد به دور شمع «یاری» بال و پر نزنید که می سوزید.

زیاد تندیس و بت «یاری» را نپرستید تا از «مائوسیم» در مرداب ارمان گرائی و خیال اندیشی به فرق غرق نشوید!
اگر دیک بخار را بیشتر از حد معمولش پر کنید انفجار می کند و پوز و چنه خود تان را در هوا بلند می کند و شفتتر
شفتتر می سازد.

به آئینه خویش را نگاه کنید حتمی بوزینه را می ببینید نه آدم با عقل و با ضمیر را!!!

بیائید کمی درس تاریخ بیآموزید، این که از وحشت عبدالرحمان خانی شکوه کردید و خیانت و جنایتش را به این قلم
ربط دادید و با چماق و تازیانه اتهام بر فرقم سخت کوبیدید و در کمال جفاء آنها جفای چنگیزی شئوونیسیم خواندید و
چه «معصومانه» همچو معصومیت حسین در مقابل ظلم، اجحاف و قساوت یزید نالیدید که لحظاتی واقعاً دلم به حال
و احوال تان سوخت و اشک تأثر از چشمانم جاری گشت !!! اما حقایق تاریخ خلاف ادعای شما شهادت می دهد و
ثابت می سازد که این شما بودید که در خدمت دم و دستگاه امیر قرار گرفتید و تن های همونوع خود را با سبوعیت و
درنده خوئی چنگیزیست دریدید و از کشته ها پشته ها ساختید. این که عبدالرحمان چه جنایات و یا خیانت هائی را
مرتکب شد، براساس منطق، مسأله ای است مربوط به خودش، هرگاه شما را اعتقاد بر آن است که نه، به خاطر جرم و
جنایت امیر باید خلق پشتون را نیز به مؤاخذه کشانید، چطور است که در کنار امیر، «امیر ساز ها» را هم شامل ساخته
و امتداد منطقی آن ها را نیز تا امروز تعقیب نمائیم. تاریخ آنها به قلم منشی و مخبر امیر عبدالرحمان خان یعنی جناب
مستطاب «کاتب هزاره» گواهی می دهد که یکی از نخستین افرادی که امیر را امیر ساخته بر دوش مردم سوار نمود،
جنرال محمد حسین خان هزاره با ۳۰۰۰ عسکر جنگی اش بود. همان تاریخ به وضاحت نشان نمی دهد که هرگاه
جنرال محمد حسین خان هزاره نمی بود، عبدالرحمانی به امارت نمی رسید. حال که قرار گذاشته اید تا به خاطر جنایات
و خیانت های امیر، خاق پشتون را پاسخگو معرفی دارید، چرا عین معامله را با اخلاف جنرال حسین خان نمی کنید؟
نکند شما هم مطلع باشید که نامبرده یکی از خوانین جاغوری بوده و تست «د. ن. ای» صدر صادق و صدر های
دیگر را نیز تا آنجا می کشاند؟؟

شئوونیسیم پشتون و راسیزم ملیت های دیگر دو روی یک سکه اند و هر دو می تواند به خیانت ملی بینجامد. و اما این
که چرا باید خلقها را به خاطر جرمی که طبقات حاکم انجام می دهند، پاسخگو ساخت، صرف می تواند از عهده انسان
بی شخصیتی چون صدر صادق برآید ورنه هر کسی که وجدان سالم برای قضاوت داشته باشد می تواند ببیند که خلق
های قهرمان پشتون با جرأت و شهامت بی نظیر به ضد طبقات ممتاز خود برخاسته- نمونه بزرگ آن ۱۲ سال مقاومت
جانبازانه علیه لشکر امیر عبدالرحمان خان و جلادش جنران محمد حسین خان هزاره - و همچنان از آزادی ملی به
دفاع برخاسته اند که حتا توجه رهبران فرزانه پرولتاریا همچو مارکس و انگلس را به خویش معطوف داشته اند و آنها
را واداشته است که در آثار شان از خلق پشتون به دیده ای قدر یاد نموده و به مبارزات ضد استعماری شان ارج بی
پایان بگذارند.

«صدر» صادق ظفر در یکی از چرند نامه هایش علیه (سازمان انقلابی)، شیر زن تاریخ «ملالی میوند» را زاده
تخیلات و خیال پردازی های «عبدالحی حبیبی» می پندارد و مدعی می شود که پشتون ها زن ستیز اند و زنان را در
چهار دیواری خانه اسیر و محبوس نگهداشته و تنها مورد استفاده های شخصی و جنسی قرار می دهند و بس!؛
«صدر» صادق ظفر با این طرز دید ارتجاعی نقش زنان را در دفاع از آزادی ملی، مادر وطن و مرز های پدیری انکار
کرده و نفی می دارد؛ در حالی که این کور مغز ضمیر باخته نمی داند که در جنگ استقلال علیه انگلیسها زنان
دوشادوش مردان چه در سنگر نبرد و چه در عقب جبهه سهیم بودند و حصه داشتند و می رزمیدند. اسمای مبارک نازو
انا، زرغونه انا، سوریا، عایشه درانی، بی بی مهرو و... در صفحات طلایی تاریخ رزم و حماسه کشور مان درج
صفحاتش می باشد. حالا پرسش ما از «صدر» صادق ظفر این است فرضاً برای دو ثانیه بحرفت باور کردم، حالا تو

برای ما بگو در جنگهای افغان و انگلیس «مردان» شما کجا بودند تا از مرزهای پدری و حرمت و عزت مادر وطن به دفاع بر می خاستند؟

«صدر» صادق ظفر، که در طول حیاتش همیشه عادت داشته و دارد تا استفراغ دیگران را با مزه هایش نشخوار نماید، در این حکمش هم بدون آن که خواسته باشد از یکطرف پیوند خانوادگی اش را با زنازادگان تاریخ در حماسه میوند نشان می دهد و از طرف دیگر راز رابطه کنونی اش را با «ام. آی. ۶» از پرده بیرون می اندازد.

اصل قضیه از آن قرار است که بعد از شکست مفتضحانه انگلیسها در حماسه میوند، که «ملالی میوند» یکی از نماد های آن شناخته شده است، این انگلیسها بودند که نمی خواستند در چنان شکست تاریخی، به عظمت و بزرگی زن افغان گردن بگذارند، به همین علت موجودیت وی را انکار نمودند و باز هم اکنون این یکی از مزدوران مشهور «ام. آی. ۶» به نام دکتر «لعل زاد بلوچ» است که نخستین بار از موضع انگلیسها، از طریق «بی. بی. سی.» ادعای عدم موجودیت «ملالی میوند» را نمود. وقتی «صدر» ظفر با چنین حکمی مواجه گردید، منافع استخباراتی اش ایجاب می نمود تا در کنار شعار «افغانستانی» برداران «مسعود» و دکتر «لعزاد»، به نشخوار عدم موجودیت «ملالی» نیز پردازد. نباید فراموش نمود که «صدر» صادق از این تفاله خواری یک هدف دیگر را نیز تعقیب می نماید، آنهم کتمان کلیت «حماسه میوند» است. زیرا در صورتی که به انکار کلیت آن حماسه نرسد، به ناگزیر پای جنرال محمد حسین خان و ۳۰۰۰ عسکرش که در رکاب نماینده انگلیس یعنی امیر عبدالرحمان خان، آزادیخواهان میوند را اعم از مرد و زن سرکوب و قتل عام نمودند، به میان آمده، کوس رسوائی هزاره ایسم و چنگیزبیم از بام تاریخ نواخته خواهد شد، که تا حال شده است.

زنان در ولایات شرقی پشتون نشین در همه امور محوله زندگی در پهلوی شوهران و فامیل های شان خدمت می کنند بالاخص نقش بر جسته زنان در زراعت، دامداری و مالداري و توليد، نهايت ژرف ، شگرف و برجسته می باشد.

اگر منطقاً جنایات و خیانت های بیشتر از دو قرنه ای شئونبیم طبقات حاکم ملت پشتون را با راسیزم ، ناسیونالیسم، شئونبیزم و سکتاریسم چهار ساله ای طبقات حاکم ملت های دیگر در ترازوی قضاوت و عدالت بگذاریم و معیار قضاوت عادلانه و عاری از هر نوع تعصبات قرار دهیم به خوبی می بینیم که پله جانب غیر پشتون نهایت سنگینی می کند زیرا شئونبیم پشتون مصدر ویرانی و قتل و کشتار بدین پیمانہ غیر پشتونها نشده بود ، به خاطریکه پشتونها در جنگ علیه استعمار بریتانیا مشغول بودند و طبعاً در جنگ اشتباهاتی صورت می پذیرد و آنهم جنگ یک ملت پا برهنه با یک غول تا بدان مسلح و قدرت معظم امپریالیستی؛ این بدان معنی نیست که جنایات و خیانت های شئونبیم را بباد فراموشی سپرده و محکوم ننمائیم.

اگر یک نگاه گذرا به تاریخ معاصر کشور بیفکنید متوجه می شوید که در کنار ظلم و اجحاف طبقات حاکم پشتون، انقلابیون پشتون با دیگر ملیتهای کشور نهضت مشروطه خواهان را علیه شئونبیم پشتون و مبارزه علیه استعمار انگلیس تهداب گذاری کردند که شامل نهضت مشروطه خواهان اول، دوم و سوم می باشد که ۹۸ فیصد اعضاء و رهبران پشتون بودند که با مبارزات انقلابی شان خون شان را نثار نمودند. حالا پرسش ما از شما هزاره ایست های چنگیزبیم این است که ثابت بسازید که شما بر علیه وحشت و بربریت چنگیز و هلاکو چیزی نوشته باشید و جنایات و وحشیگریهایش را محکوم نموده باشید؟!

ثبوت کنید که شما در مقابل چنگیزها و بربر های قرن مزاری، محقق ، خلیلی، اکبری، محسنی، کاظمی، فاضل سنگچارکی و دیگر حرامزادگان و زنازادگان هزاره ایست و چنگیزبیم جبهه گرفته و جنایات ضد انسانی و ضد مدنی شان را خصوصاً در سگ جنگی های کابلستان محکوم کرده باشید؟

آیا شپش فروشی، روغن داغ ریختن بالای مغز انسان زنده و رقص مرده را تماشا نمودن، بر زن حامله تجاوز جنسی کردن و طفلش را در بطنش کشتن و سینه زنها را بریدن و خلاصه ۷۵,۰۰۰ کابلی را سلاخی کردن و شهر کابل را تخریب نمودن را به یاد دارید و عاملینش را محکوم کرده اید؟!

آیا در مورد ساخت حوزه علمیه اسلامی برای اسلامیزه کردن افغانستان به وسیله طبقات حاکم برخاسته از ملیت هزاره و سایر هزاره ایست ها چیزی نوشته اید؟؟

قرار لاف و پف خودتان که در کشور حضور فزینگی دارید و اما در همه جائی که مردم هزاره زیست دارند زمین و زمانش با عکسهای مزاری و خمینی جلاد «مزین» است؛ آیا فعالیت های شما از زیر عکس های مزاری و خمینی از مساجد و تکایا برای «ظهور» امام زمان و ایجاد دولت ولایت فقیه آغاز شده است؟!

تا به حال چرا در مقابل پلان «هزارستان» آخوند های ایرانی سکوت نموده اید؟

آیا «مانویسم» شما بر مبنای ارشادات امام زمان و خمینی بناء یافته و استوار است و یا خیر؟

چرا پشتون ستیز و کابلی ستیز هستید؟

جای شک نیست که مردم شریف هزاره زحمتکش و ستمکش اند و بر آنها بی عدالتی اجتماعی رواداشته شده است و این را باید بدانید که ۹۸٪ فیصد مردم افغانستان ستمکش، زحمتکش و استثمار شده بودند و هنوز هم هستند، طور مثال کوچی ها و اکثریت خلقهای پشتون!!!

پس اتهامات شما هزاره ایست های چنگیزی ناشی از عقده های نهانی است که از طرقي به نمایش می گذارید و اما در حقیقت خودتان تجاوز گر، ستمگر، ویرانگر و نهایت قسی القلب بودید و می باشید و اندکترین احساس و عاطفه ای برای افغان و افغانستان ندارد و همین حالا چشم بر تجزیه اش دوخته اید!!!

ادامه دارد.....

میرویس ودان محمودی